

### متن پرسش

سلام استاد عزیز: از غم و درد چند روزی هست به خودم می پیچم. درد و ناله دارد عمری درب خانه اهل بیت گدایی کنی و به قول حضرتعالی سلوک قلبی داشته باشی و آخر امر مصداق این بیت شعر باشی: دردا که دوش طاعت سی سال خویش را / دادم به می فروش به یک جرعه برنداشت / عمری درب خانه احمدبن موسی شاه چراغ شب نشینی و زیارت و سلوک داشته باشی آخر امر متوجه شوی که حضرتش شما را لیاقت خویش ندانسته و در آن شب حادثه ترور به ماموریت خارج از شهر رفته باشی لاقلاً برای دفاع از حرمش نباشی. من که خودم رو دوستار اهل بیت می دانم نکند که آنان ما رو لیاقت خودشان ندانند. حرفی حدیثی جناب استاد بفرمایید که خیلی احساس حقارت و کوچکی می کنم. نکند همه زیارات و شب نشینی خیال بوده. نکند شاهچراغ من رو اصلاً به چشم ندیده. نکند این همه رفت و آمد به حرم در سرما و گرما و باران و... الکی بوده و حضرتش ما را لیاقت خویش ندانسته. نکند. التماس دعا

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چرا این طور فکر می کنید؟! همه چیز روی حساب است حتی خارج شدن شما از شهر. ما باید همواره امیدوار رحمت حضرت حق باشیم و نه امید به اعمال خود. و در امیدواری به رحمت حضرت رب العالمین، یأسی در میان نمی ماند. موفق باشید